

یک طراح لباس از دلایل طراحی لباس های گل مالی وشلوار های پاره توسط کار شناسان مد می گوید مدی برای یک قشر خاص



مریم احمدی

طراح لباس و استاد دانشگاه

بعد از مد شدن شلوار جین های پاره و طرح های عجیب دیگر، چند روزی است که شلوار های گلی با قیمت های بالا یکی از اخبار منتشر شده در فضای مجازی است. اگر چه ممکن است یک مد جدید خیلی مورد استقبال قرار نگیرد اما با گذشت زمان کم کم مورد توجه قرار می گیرد و حتی کسانی که در ابتدا آن را دوست نداشتند، برای خریدنش دست به جیب هم می شوند. بعد از شلوار های جین پاره و به اصطلاح زخمی، حال یک برند معروف خارجی شلوار گلی را روانه بازار کرده است. این شلوار های گلی به نقل از واشنگتن پست، بیش از ۴۰۰ دلار قیمت دارند. در پاره دلایل طراحی چنین لباس هایی و مد شدنشان در ایران، چند نکته مهم وجود دارد که در ادامه به آن اشاره می کنیم.

شلوار های گل مالی شده باید دانست که وقتی این سبک لباس ها وارد ایران می شود، بعضی افراد جامعه به خصوص جوانان و آن هایی که علاقه مند به مد های روز هستند، فقط به این دلیل که مد شده و سبک روز است از آن استفاده می کنند. البته ممکن است این چنین لباس هایی زیبایی های خاص خودش را برای یک قشر خاص داشته باشد و خوشایند آن ها باشد و در حوز ه مد هم از آن استفاده شود ولی در کشور ما نباید در دسترس همه افراد باشد. همان طور که گفته شد سبک های خاص مد شده ولی در کشور ما به سبک های خاص خودشان وارد آن ها می شود و به همین دلیل وارد حوز ه مد هم نشده و پولداری و سرمایه داری طراحی می شود. در کشور ما، این سبک از لباس تبدیل به مد شده ولی در کشور های پیشرفته و طلا به داران مد مانند ایتالیا و فرانسه، فقط توسط گروه ها و قشر های خاصی از مردم استفاده می شود و برای همه مردم قابل استفاده نیست. همان طور که مطرح شد، این لباس ها برای یک قشر خاصی طراحی می شود و طرفدار های خاص خودش را دارد. حالا این قشر یا تعدادشان کم است یا زیاد که هر چه بیشتر باشد، باز تاب بیشتری در مطبوعات و رسانه ها خواهد داشت و محصول شان بیشتر دیده خواهد شد.

شلوار هایی برای حمایت از قشر کار گر

طرح هایی مانند شلوار پاره یا گل مالی شده که معمولاً روی جنس جین هم کار می شود، مربوط به سبک هیپ هاپ است و برای حمایت از قشر کار گر یا علیه پولداری و سرمایه داری طراحی می شود. در کشور ما، این سبک از لباس تبدیل به مد شده ولی در کشور های پیشرفته و طلا به داران مد مانند ایتالیا و فرانسه، فقط توسط گروه ها و قشر های خاصی از مردم استفاده می شود و برای همه مردم قابل استفاده نیست. همان طور که مطرح شد، این لباس ها برای یک قشر خاصی طراحی می شود و طرفدار های خاص خودش را دارد. حالا این قشر یا تعدادشان کم است یا زیاد که هر چه بیشتر باشد، باز تاب بیشتری در مطبوعات و رسانه ها خواهد داشت و محصول شان بیشتر دیده خواهد شد.

این شلوار ها نباید در دسترس همه افراد باشد
در پاره شلوار های جین پاره و البته همین

توسعه یافته تر باشد تخیلات، بیش و نگرش مردم بهتر، دقیق تر و منظم تر است. جامعه عقب مانده و سنتی با تخیل مخالف است؛ تخیل به خودی خود بد نیست به شرط آن که مبتنی بر مقتضیات و واقعیت ها، ارزش ها و هنجار های فرهنگی جامعه باشد. دخترانی که در سندروم سیندر لا غرق شده اند، در تخیلات و رویا پر داری هایشان غوطه ور و از واقعیت های اجتماعی دور می شوند بنابراین زندگی و از دواج شان به خطر می افتد. ما باید دختران را طوری پرورش بدهیم که از این تخیلات افراطی پر هیز کنند.

نحوه مقابله با سندروم سیندر لا

مقابله با سندروم سیندر لا از تربیت فرزند نان شروع می شود؛ تربیت فرزندانی که یاد بگیرند، زن ها موجودات چند وجهی هستند که از عهده هر کاری بر می آیند و برای خوشبخت شدن باید به تلاش خودشان وابسته باشند. باید به بچه ها بیاموزید استقلال ارزشمند است و چنان چه فرصت مستقل شدن پیش آمد، باید از آن بهره گرفت. دختر ها را از کودکی تشویق کنید که مسئولیت پذیر و در گام نخست به دنبال رفع مشکلات شان بدون وابستگی به دیگران باشند. معنای خوشبختی برای هر فردی متفاوت است و لزوما به معنی شاهزاده ای سوار بر اسب سفید نیست. شما خودتان مسئول خوشبختی تان هستید؛ شاهزاده سفیدپوش خود شما هستید. عشق به خود از درون انسان ریشه می گیرد نه از تأیید و حس دیگران. بر خیزید و زندگی تان را بسازید. تنها شما می توانید باور ها و ارزش های نهادی تان را اصلاح کنید و راهی برای رهایی از وابستگی به اشخاص، افکار و واکنش های آن ها بیابید. به آن ها آموزش بدهیم که هدف شان را از ازدواج مشخص کنند و بر اساس این که با ازدواج به چه چیزی می خواهند بر سند، ملاک و معیار های انتخاب همسر شان را دسته بندی کنند و بر اساس همان معیار ها به دنبال همسری مناسب ایده آل باشند تا زندگی شان سرشار از آرامش باشد نه آسایش.

توجه داشته باشید که معنی خوشبخت بودن داشتن آرامش است نه آسایش. چه سازندگی هایی که آسایش بسیار زیادی دارند اما دلشان برای داشتن لحظه ای آرامش لک زده است. پس با توکل به خدا و چشمانی باز و انتخاب همسری مناسب با واقع بینی به دنبال زندگی سالم باشید.



دکتر سیدعلی ظریفی | مشاور خانواده

محوری

بیشتر ما در زندگی مان داستان «سیندر لا»، دختری که نامادری و خواهرانش او را به اتاق زیر شبروانی می فرستند و او را به عنوان خدمتکار خانواده به کار می گیرند اما در یک مراسم رسمی، شاهزاده ای نامدار عاشق او می شود و با هم ازدواج می کنند یا داستان «سفیدبرفی» دختری زیبا و جذاب که با نامادری به بدجنس اش زندگی می کند و در نهایت شاهزاده ای با اسب سفید پیدا می شود که او را از این فلاکت نجات دهد، شنیده یا کارتون و فیلم های آن ها را دیده ایم. دیدن و شنیدن هایی که باعث شکل گرفتن رویاهایی در ذهن دختران می شود، رویاهایی که با واقعیت فاصله بسیار زیادی دارد و باعث می شود بعضی دخترها برای ازدواج، چشمان شان را ببندند و در ذهن شان منتظر فردی سوار بر اسب سفید و کالسکه ای از طلا باشند. به راستی آیا چنین رویایی پایان خوشی دارد؟



ستاره زن هالیوود تماشای «سیندر لا» را برای دخترش ممنوع کرد

در همین پاره جالب است که بداند یکی از معروف ترین بازیگران زن هالیوود به تازگی فاش کرده که دیدن برخی از کار های کلاسیک دیزنی را در خانه اش ممنوع کرده است چون با پیامی که آن ها می خواهند به دختر کم سن و سالش بدهند، مخالف است. بنابر اعلام ایندپندنت، «کایا نایتلی» بازیگر ۳۳ ساله فیلم هایی همچون «دزدان دریایی کارائیب» در جدیدترین مصاحبه اش گفته که دخترش (ادی) اجازه ندارد «سیندر لا» را که در سال ۱۹۵۰ منتشر شده، ببیند چرا که شخصیت سیندر لا در انتظار یک مرد ثروتمند است تا او را نجات دهد. او گفته: «من حقیقتاً این اثر را دوست دارم اما این موضوعی است که واقعا اذیتم می کند؛ من با پیامی که این کارتون می خواهد به دخترم بدهد، مخالفم. در ادامه و به همین بهانه، با یک سندروم متفاوت که مانی برای ازدواج دختر ها محسوب می شود، آشنا خواهید شد.

آسیب های مبتلا شدن به این سندروم

در علم روان شناسی افرادی با چنین طرز فکر و رویا را «سندروم سیندر لا» مشخص می

آشنایی با یک بیماری روانی که با تماشای یک کارتون در ذهن دخترها تقویت و مانع ازدواج شان می شود

سندروم سیندر لا!

[...]

«نایتلی» یکی از ستاره های زن هالیوود در جدیدترین مصاحبه اش گفته که دخترش اجازه ندارد کارتون «سیندر لا» را ببیند چرا که شخصیت سیندر لا در انتظار یک مرد ثروتمند است تا او را نجات دهد و او با پیامی مخالف است

غرق شدن در تخیلات افراطی ممنوع

یکی از نیاز های ذاتی انسان رویا پردازی و تخیل است و از ابتدای خلقت در افراد وجود داشته. هر چه جامعه

دلایل تمایل شد ی بعضی انسان ها به نو کردن وسایل شان

به بهانه انتشار عکسی از خودروی مدل ۱۹۹۶ ثروتمند ترین مرد جهان

معرفی خود با استفاده از دارایی ها به جای توانمندی ها!



تینا امیریپور | روان شناس بالینی و دانش آموخته استیتو روان پزشکی

چهره ها

«این ماشین ثروتمند ترین مرد جهان است» هر چند باور تان نمی شود اما او یک هوندا اکورد ۱۹۹۶ دارد که هم اکنون، قیمت اش کمتر از چهار هزار دلار است! صحبت از «جف بزوس» مدیر آمازون و ثروتمند ترین مرد جهان است که ثروتش حدود ۱۲۸ میلیارد دلار است! او در این پاره می گوید که ترجیح می دهم از یک خودروی ساده

و قدیمی استفاده کنم و با همین راحت و دلیلی برای خرید خودرویی گران قیمت نمی بینم.» این توضیح یکی از پربازدیدترین پست های شبکه های اجتماعی در چند روز اخیر است. در ادامه نگاهی روان شناختی به این ماجرا خواهیم داشت.



● میل انسان به داشتن بهترین ها طبیعی است؟

گرایش به زیبایی و هر آن چه بر خور دار از کیفیت است، از ویژگی های تکاملی انسان است. این ویژگی به سبب کمک به بقای گونه بشری در طی نسل های متمادی حفظ شده است. در راستای همین گرایش، انسان ها در تمام جوامع ترجیح می دهند که خانه، ماشین و وسایل مورد استفاده خود را از بهترین نوع انتخاب و تهیه کنند. اما سوال این جاست این میل انسانی تا کجا به عنوان یک گرایش طبیعی و به هنجار در نظر گرفته می شود؟

تعریف هویت خود با استفاده از اشیا

انسان با هر آن چه در پیرامونش است به نوعی در تعامل قرار دارد. انسان ها با یکدیگر و حتی با اشیای پیرامون خود در ارتباط هستند. یک انسان بر خور دار از آن جایی نشئت می گیرد که افراد با استفاده از اشیا هایی که نیاز های او را بر طرف می سازند در نظر می گیرد. در واقع زمانی که ابزار برای یک انسان، کار کردی به جز آن چه برای آن ساخته شده است، پیدا کند، فرد از منحنی سلامت روان فاصله گرفته است. مشکل از آن جایی نشئت می گیرد که افراد با استفاده از اشیا سعی در تعریف هویت یا کیستی خود می کنند. در رشد هویت کودک، تعریف خود با استفاده از دارایی ها از ابتدایی ترین مراحل است. به عبارت دیگر هر چه کودک بیشتر رشد می کند، کمتر هویت خود را بر مبنای آن چه متعلق به اوست مانند اسباب بازی هایش و بیشتر بر مبنای ویژگی ها و توانایی های شخصیت اش تعریف می کند. بنابر مراحل رشد انتظار می رود یک بزرگ سال نیز قادر باشد هویت خود را با استفاده از توانمندی ها و ویژگی های خود تعریف کند.

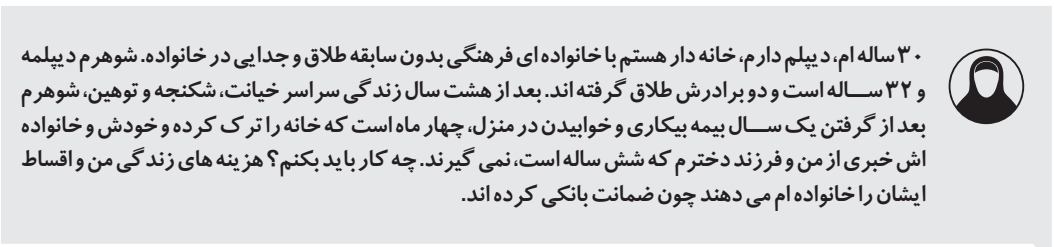
● افرادی فاقد احساس خود ارزشمندی اصل درونی

از آن جایی که توانمندی ها و استعداد های یک فرد می تواند در شرایطی نیز منافع اقتصادی مشهود به بار آورد، گام افرادی که خود را فاقد توانایی های درونی می بینند، سعی می کنند با اختیار گرفتن هر چه بیشتر کالا های لوکس و گران قیمت و تعداد آن را، برای رفتن هویتی قابل اعتنا خلق کنند. در واقع فرد با استفاده از یک راه میانبر برای خود هویت می سازد. معمولاً چنین افرادی فاقد احساس خود ارزشمندی اصل درونی هستند. در خور ذکر است، چنین نتیجه گیری هایی در شرایطی برای افراد پیش می آید که فرد به صورت افراطی و بی در پی سعی در استفاده و تصاحب کالا های لوکس و گران قیمت دارد بدون آن که دلیل و توجیهی برای این رفتار خود داشته باشد. برای مثال فردی که در رشته کامپیوتر تحصیل کرده و در همین زمینه مشغول کار است، کاملاً طبیعی است که مدد تهیه بهترین لپ تاب های موجود با لاترین قابلیت ها باشد.

● مصرف گرایی نباید ارزش اجتماعی شود

عامل دیگری که موجبات مصرف گرایی را فراهم می کند، ارزش های پذیرفته شده اجتماعی است. در واقع در جامعه ای که ارزش افراد بر اساس داشته های مادی شان سنجیده می شود، آن ها هر چه بیشتر به سمت مصرف گرایی سوق می یابند. در حالی که اگر در یک اجتماع فرد بر اساس ویژگی ها و استعداد های درونی اش، دستاوردهای علمی، بارآوری اقتصادی و کارآفرینی و به صورت کلی ویژگی های اصل انسانی سنجیده شود، در این صورت مصرف گرایی را به عنوان ارزش در نظر نخواهد گرفت و به سمت کسب بیشتر آن چه جامعه به عنوان ارزش می شناسد پیش خواهد رفت.

شوهرم ۴ ماه است که خبری از من و دختر ۶ ساله اش نمی گیرد



فریبا البرز | کارشناس ارشد مشاوره خانواده

مشاوره زوجین

مخاطب گرامی، با توجه به توضیحات شما باید بگویم که تصمیم گیری برای طلاق و پایان دادن به زندگی مشترک، یک تصمیم خطیر و بسیار حیاتی است که در نهایت خود فرد باید به این نتیجه نهایی برسد. بهتر است تمام ابعاد چند ساله زندگی مشترک را کاملاً بی طرفانه بررسی کنید و بدون فشار اطرافیان

ببینید که بودن یا نبودن این زندگی چه مضرات یا منفای برای شما در پی خواهد داشت. با این حال، چند توصیه برای شما داریم.

● طرز برخورد با شوهر بی مسئولیت

این طور که در پیام خود اشاره کرده بودید، طی هشت سال زندگی مشترک، سختی های فراوانی را متحمل شده اید. در واقع همسر شما مسئولیت لازم را برای زندگی مشترک نداشتته است. از طرف دیگر شما دقیقاً مشخص نکرده اید که برخورد شما با این فرد در این هشت سال به چه شکلی بوده است؟ اما آن چه در آخر گفته بودید، متحمل شدن هزینه های زندگی تان توسط خانواده خودتان است که باید توجه داشت، خیلی خوب است که خانواده به عنوان حمایت گر حضور داشته باشند اما هرگز قرار نیست تمامی مسئولیت ها و وظایف دیگری را متحمل شوند. با این توجیه که اگر ما این کار را نکنیم خودش هرگز تکانی به خود نمی دهد، زندگی مشترک در ست نمی شود. در واقع جابه جایی نقش ها باید ممنوع باشد. همیشه و در همه جا قرار نیست زن تمامی مسئولیت های شوهر سالم و بدون مشکل اش را به دوش بکشد و ایشان هم در نهایت فراغ بال به فعالیت های فوق برنامه خودش مثل خیانت، توهین، بیکاری و... بپردازد. متأسفانه رفتار های شما و خانواده تان نه تنها کمکی به بهبودی زندگی شما نکرده بلکه باعث تقویت روحیه و اخلاق و طیفه شناسی شوهر تان شده است. این که در هر حال عده ای هستند که دست مرا بگیرند و اجازه ندهند سرم به سنگ بخور د تا وان اشتباهم را پرداخت کنم، تصویری است که نباید در شوهر تان ایجاد می شد.

● طلاق با ادامه زندگی مشترک؟

این تصمیم ۱۰۰ درصد به نظر و انتخاب شما بستگی دارد. باید بررسی کنید که دلایل منطقی برای ادامه دان با ایشان چه مواردی است؟ آیا تنها دلیل شما برای ادامه زندگی مشترک، کراهت طلاق در خانواده تان است و این که ماصلاً طلاق نداریم؟ آیا حضور فیزیکی یک مرد وظیفه شناس را برای خود و دخترتان کافی می دانید؟ یا دلایل جدی تر، مهم تر و عقلانی تر دیگری نیز دارید؟ به هر حال ایشان چندین ماه است که در نهایت بی مسئولیتی حتی کوچک ترین خبری از شما و دختر خودش نمی گیرد. این مسئله خیلی جدی است. اگر وی زمانی تصمیم به دیدن شما گرفت، فقط به گرفتن قول های مکرر اکتفا نکنید و حتماً همراه با ایشان از یک مشاوره حضوری کمک بگیرید.



با شاغلان

چرا مدیرها، عاشق جلسات کاری هستند؟!



حسین صادق فر

مشاور مدیریت

یکی از جلسات اداری خود را تصور کنید در حالی که همه شوالیه ها (مدیران و سرپرستان) دور میز کنفرانس نشسته اند و به رئیس بزرگ (مدیرعامل) توجه می کنند. به نظر می رسد که توافق نامه ای در سکوت کامل اجرا می شود. هیچ یک از شوالیه ها صحبتی نمی کنند چرا که می ترسند از طرف رئیس ضربه ای به آن ها وارد شود. سپس جلسه بعدی برگزار می شود. پس از آن نیز جلسات دیگر. همه حاضران می دانند که نباید افکار خود را با صدای بلند بیان کنند زیرا رئیس نمی خواهد چیزی بشنود! حالا وقت اش رسیده که این سوال را از خودتان بپرسید که آیا کارمندان می توانند در مقابل شما به عنوان مدیر قرار بگیرند؟ اگر تاکنون حرف ناراحت کننده ای از طرف کارمندان شنیده اید، باید متوجه باشید که این موضوع طبیعی نیست. آیا نحوه رفتار شما، دیگران را خاموش می کند؟ آیا هیچ اختلاف نظری را نمی پذیرید؟ آیا به جای استقبال از تنوع آراء، آن را محکوم می کنید؟

● گذشتن ۷۲ درصد زمان مدیرها در جلسات!

کارمندان پیش از هر اقدامی، شرایط موجود را بررسی می کنند. اگر آن ها نمی توانند به راحتی نظرات خود را با شما در میان بگذارند، پس شانس این که بهترین تصمیمات را بگیرید، صفر است. سکوتی که در اطراف شما جریان دارد، یک سکوت طلایی نیست. پس بررسی کنید که آیا شما مسبب آن هستید؟ تحقیقات هاروارد مشخص کرده است هر مدیر عامل به طور میانگین ۷۲ درصد از زمان خود را در جلسات صرف می کند. این در حالی است که طبق نظر اغلب کارشناسان، جلسات کاری کمک چندانی به پیشرفت کسب و کارها نمی کنند. تحقیقات سال گذشته این دانشگاه از ۱۸۲ مدیر ارشد نشان داد که ۶۵ درصد آن ها جلسات را مانع انجام وظایف می دانند. ۷۱ درصد معتقدند جلسات کارایی و بازدهی لازم را ندارند و ۶۲ درصد گفته اند که جلسه کاری مانع ارتباطات مثبت در تیم می شود.

● جلساتی که کارایی کارمندان را پایین می آورد

بیشتر مدیران از این آمارها اطلاع دارند اما باز هم جلسات کاری را دوست دارند. آن ها این جلسات را برای کار خود مفید می دانند چرا که در طول جلسه با دیگران از این زمان لذت می برند، از این رو تمایل هم دارند تا افراد بیشتری را به هر جلسه دعوت کنند. زمانی که مدیران، افراد زیادی را به یک جلسه دعوت می کنند، همه افراد وقت و فرصت کافی را به دست نمی آورند تا در گفت و گوها شری کنند. سخنرانی های با کیفیت و پرمفهوم، جای خود را به نظرات سطحی و بی فایده می دهد. اشتراک گذاری اطلاعات از مسیر اصلی (اولویت های مهم تر) منحرف می شود. کارمندان مذاقت خود را از دست می دهند و غالباً محافله کارانه صحبت می کنند. مباحث و تصمیمات سخت در دستور کار قرار نمی گیرد. در نتیجه کارمندان به مرور زمان جلسات کاری را به عنوان رویدادهایی می بینند که آماندگی، مشارکت و عملکرد آن ها را پایین می آورد. در واقع سیکل کاهش کارایی از همین نقطه شروع می شود.